



## ثمرات تحول خواهی دولت سیزدهم

نهادهای اجرایی به‌دلیل وظایفی که دارند باید میزان پاسخگویی بیشتری در برابر مردم داشته باشند

۱۰



## فایزر زیر تیغ شکایت مدرنا

جزئیات شکایت مدرنا در باره تولید واکسن کرونا و متهم کردن فایزر به نقض حق ثبت اختراع mRNA

۱۱



## شکوفایی استعدادها در بهشت مادران

از مهرماه برنامه‌های ویژه‌ای در راستای تبدیل بوستان بهشت مادران به مرکز فرهنگی- گردشگری ملارو و کودک اجرا می‌شود

۱۲

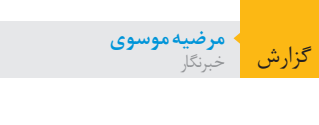
# همیشه یک جامعه



عکس: همشهری (نصرت عباسی-تارخ)

# ویروس، سوغات زندان بود

زنان مبتلا به اچ‌آی‌وی از جای خالی آزمایش‌های حیاتی بعد از آزادی از زندان می‌گویند



می‌کرد چگونه در زندان مواد به دست می‌آورد. قاچاقچی‌هایی بودند که کارشان وارد کردن مواد به داخل زندان بود. آن را به هزار روش عجیب و غریب به زندان می‌بردند. برای بردن مواد به داخل زندان هم، روش‌شان این بود که خلاف‌های کوچک می‌کردند و دستگیری می‌شدند تا جنس‌ها را در زندان بفروشند.»

اما می‌گفت وسایل مصرف و تزریق محدود و کم بود: «همسرم تعریف می‌کند که همه دور تا دور می‌نشستند و جمعی ۲۰-۵۰ نفره یک کارگاه مشاوره نشستند، این ویروس را از همسرشان که سال‌ها پیش در زندان به سر می‌برده گرفته‌اند. گرچه حالا که سال‌ها از ابتلای آنها گذشته، دیگر برایشان فرقی نمی‌کند چه کسی مقصر بود! اما همگی یک خواسته مشترک دارند: راهی برای جلوگیری از ابتلای دیگران پیدا شود. گزارشی که می‌خوانید محصول گپ و گفتی خدماتی در پایان یکی از همین جلسات مشاوره گروهی با زنان مبتلا به اچ‌آی‌وی است که این ویروس، سوغات همسرشان از زندان است. به گفته همه این زنان، اغلب مردان خودشان هم از ابتلای دایره بزرگ‌تری از افراد در ارتباط با این زندانیان شده است. برای حفظ حریم مصاحبه‌شونده‌ها از نام مستعار استفاده شده است.

«الاله» وقتی متوجه بیماری‌اش شد که ماه‌های اول بارداری را می‌گذراند. بچه‌ای که در رحمش رشد می‌کرد هنوز ۳ماهه نشده بود که بارداری با سقط ناگهانی، متوقف شد. بعد از بارداری دوم بود که نتیجه آزمایش‌های اولیه غربالگری، خبر از مشکوک بودن او به ویروس اچ‌آی‌وی می‌داد؛ ویروس‌س که تا قبل از آن، کسی خبری از وجودش نداشت. او می‌گوید: «قبل از ازدواج همسرم درباره سابقه زندان و سوءمصرف مواد به من گفته بود. اما او را دوست داشتم و این اعتراف را هم پای صداقتش گذاشتم. حتی خود او هم قبل از بارداری دوم من و آزمایش غربالگری اولیه نمی‌دانست مبتلاست.»

ماه‌های نخست بعد از مثبت شدن آزمایش، برای همه مبتلایان ماه‌های سخت و طاقت‌فرسایی بود؛ بحرانی که حتی به آن فکر نمی‌کردند پیش پایشان چاله بزرگ و سیاهی باز کرده بود و تصور می‌کردند مرگ در حال بلعیدن همه زندگی‌شان است. الاله

می‌گوید: «همسرم قبل از ازدواج چند سال زندانی بود. آنقدر با هم صادق و روراست بودیم که حتی گاهی خاطرات زندانش را هم برای من تعریف می‌کرد. تعریف

سؤال مشترک در سرمان داشتیم؛ چرا من؟! اما بالاخره با این موضوع کنار آمدیم. تازه بعد از کنار آمدن خودمان با این ویروس و بیماری، باید با این مسئله کنار می‌آمدیم که اطرافیان و خانواده را چطور از این بیماری آگاه کنیم؟ آیا اصلاً این کار درستی است؟ پاسخ به این سؤال برای هر فردی با دیگری متفاوت است و بستگی به سطح فرهنگ و میزان پذیرش خانواده‌ها دارد. اغلب ما حتی از فرزندان خودمان هم این موضوع را پنهان کرده‌ایم.»

پنهان کردن بیماری از خانواده و اطرافیان

روایتی که من برای ابرای تزریق دست به‌دست می‌کردند. اگر هم یکی می‌خواست برای نفر بعد مرام بگذارد و سرنگ تمیز تحویلش دهد، سوزن را بعد از خارج کردن از رگ، روی زینتش می‌کشید تا با آب دهان تمیز شود!»

اما می‌گفت وسایل مصرف و تزریق محدود و کم بود: «همسرم تعریف می‌کند که همه دور تا دور می‌نشستند و جمعی ۲۰-۵۰ نفره یک کارگاه مشاوره نشستند، این ویروس را از همسرشان که سال‌ها پیش در زندان به سر می‌برده گرفته‌اند. گرچه حالا که سال‌ها از ابتلای آنها گذشته، دیگر برایشان فرقی نمی‌کند چه کسی مقصر بود! اما همگی یک خواسته مشترک دارند: راهی برای جلوگیری از ابتلای دیگران پیدا شود. گزارشی که می‌خوانید محصول گپ و گفتی خدماتی در پایان یکی از همین جلسات مشاوره گروهی با زنان مبتلا به اچ‌آی‌وی است که این ویروس، سوغات همسرشان از زندان است. به گفته همه این زنان، اغلب مردان خودشان هم از ابتلای دایره بزرگ‌تری از افراد در ارتباط با این زندانیان شده است. برای حفظ حریم مصاحبه‌شونده‌ها از نام مستعار استفاده شده است.

روایتی که من برای ابرای تزریق دست به‌دست می‌کردند. اگر هم یکی می‌خواست برای نفر بعد مرام بگذارد و سرنگ تمیز تحویلش دهد، سوزن را بعد از خارج کردن از رگ، روی زینتش می‌کشید تا با آب دهان تمیز شود!»

اما می‌گفت وسایل مصرف و تزریق محدود و کم بود: «همسرم تعریف می‌کند که همه دور تا دور می‌نشستند و جمعی ۲۰-۵۰ نفره یک کارگاه مشاوره نشستند، این ویروس را از همسرشان که سال‌ها پیش در زندان به سر می‌برده گرفته‌اند. گرچه حالا که سال‌ها از ابتلای آنها گذشته، دیگر برایشان فرقی نمی‌کند چه کسی مقصر بود! اما همگی یک خواسته مشترک دارند: راهی برای جلوگیری از ابتلای دیگران پیدا شود. گزارشی که می‌خوانید محصول گپ و گفتی خدماتی در پایان یکی از همین جلسات مشاوره گروهی با زنان مبتلا به اچ‌آی‌وی است که این ویروس، سوغات همسرشان از زندان است. به گفته همه این زنان، اغلب مردان خودشان هم از ابتلای دایره بزرگ‌تری از افراد در ارتباط با این زندانیان شده است. برای حفظ حریم مصاحبه‌شونده‌ها از نام مستعار استفاده شده است.

اما می‌گفت وسایل مصرف و تزریق محدود و کم بود: «همسرم تعریف می‌کند که همه دور تا دور می‌نشستند و جمعی ۲۰-۵۰ نفره یک کارگاه مشاوره نشستند، این ویروس را از همسرشان که سال‌ها پیش در زندان به سر می‌برده گرفته‌اند. گرچه حالا که سال‌ها از ابتلای آنها گذشته، دیگر برایشان فرقی نمی‌کند چه کسی مقصر بود! اما همگی یک خواسته مشترک دارند: راهی برای جلوگیری از ابتلای دیگران پیدا شود. گزارشی که می‌خوانید محصول گپ و گفتی خدماتی در پایان یکی از همین جلسات مشاوره گروهی با زنان مبتلا به اچ‌آی‌وی است که این ویروس، سوغات همسرشان از زندان است. به گفته همه این زنان، اغلب مردان خودشان هم از ابتلای دایره بزرگ‌تری از افراد در ارتباط با این زندانیان شده است. برای حفظ حریم مصاحبه‌شونده‌ها از نام مستعار استفاده شده است.

اما می‌گفت وسایل مصرف و تزریق محدود و کم بود: «همسرم تعریف می‌کند که همه دور تا دور می‌نشستند و جمعی ۲۰-۵۰ نفره یک کارگاه مشاوره نشستند، این ویروس را از همسرشان که سال‌ها پیش در زندان به سر می‌برده گرفته‌اند. گرچه حالا که سال‌ها از ابتلای آنها گذشته، دیگر برایشان فرقی نمی‌کند چه کسی مقصر بود! اما همگی یک خواسته مشترک دارند: راهی برای جلوگیری از ابتلای دیگران پیدا شود. گزارشی که می‌خوانید محصول گپ و گفتی خدماتی در پایان یکی از همین جلسات مشاوره گروهی با زنان مبتلا به اچ‌آی‌وی است که این ویروس، سوغات همسرشان از زندان است. به گفته همه این زنان، اغلب مردان خودشان هم از ابتلای دایره بزرگ‌تری از افراد در ارتباط با این زندانیان شده است. برای حفظ حریم مصاحبه‌شونده‌ها از نام مستعار استفاده شده است.

اما می‌گفت وسایل مصرف و تزریق محدود و کم بود: «همسرم تعریف می‌کند که همه دور تا دور می‌نشستند و جمعی ۲۰-۵۰ نفره یک کارگاه مشاوره نشستند، این ویروس را از همسرشان که سال‌ها پیش در زندان به سر می‌برده گرفته‌اند. گرچه حالا که سال‌ها از ابتلای آنها گذشته، دیگر برایشان فرقی نمی‌کند چه کسی مقصر بود! اما همگی یک خواسته مشترک دارند: راهی برای جلوگیری از ابتلای دیگران پیدا شود. گزارشی که می‌خوانید محصول گپ و گفتی خدماتی در پایان یکی از همین جلسات مشاوره گروهی با زنان مبتلا به اچ‌آی‌وی است که این ویروس، سوغات همسرشان از زندان است. به گفته همه این زنان، اغلب مردان خودشان هم از ابتلای دایره بزرگ‌تری از افراد در ارتباط با این زندانیان شده است. برای حفظ حریم مصاحبه‌شونده‌ها از نام مستعار استفاده شده است.

با این بیماری سر و کله می‌زند؛ شوهری که مصرف‌کننده مواد است و هنوز هم دوران حبسش را در زندان تهران بزرگ می‌گذراند. او می‌گوید: «در ملاقات شرعی‌های زندان خبری از وسایل پیشگیری از انتقال ویروس‌های مقاربتی نیست و ملاقات‌کنندگان باید خودشان این وسایل و حتی وسایل دیگر را به همراه داشته باشند. کافی است در هر بندی، از یک جمع ۲۰۰ نفره یک نفر مبتلا به این ویروس باشد تا آن را به همه مصرف‌کنندگان دیگر منتقل کند.»

او که چند سالی است فرزندش را به تنهایی و در غیاب همسرش بزرگ می‌کند می‌گوید: «وقتی یک زندانی آزاد می‌شود، با انجام یک تست و آزمایش ساده می‌توان فهمید که به بیماری‌های خونی مبتلا شده یا نه؛ از واقع اگر این آزمایش‌ها در تمام زندان‌ها از افراد گرفته می‌شد احتمال زیادی برای پیشگیری از ابتلای بسیاری از زنان وجود داشت. ولی در عمل این اتفاق صورت نمی‌گیرد. یا حتی وقتی زندانی به مرخصی می‌آید، باید وضعیت سلامتش مشخص باشد. در غیراین صورت حتماً دیگران را مبتلا خواهد کرد و زندگی افراد دیگر به همین سادگی از دست می‌رود.»

او به‌عنوان زنی که همسرش به اچ‌آی‌وی مبتلا شده، معتقد است تا وقتی امکان تست و آزمایش برای زندانیانی که به مرخصی می‌آیند فراهم نشده، بهتر این است که اجازه خروج از زندان را به زندانیان ندهند. مطهره می‌گوید: «بیانش ساده به‌نظر می‌رسد. اما روزی که من تجربه این بیماری را داشتم، دنیا برای من تمام‌شده بود. باردار بودم و تا به دنیا آمدن بچه، مردم و زنده شدم. همسرم هم همیتور. خیلی بی‌قرار بود و کارمان شده بود گریه کردن. خوشبختانه بچه‌مان

مبتلا نبود و همین برای ما امیدواری بزرگی بود. من ناخواسته درگیر این بیماری شده بودم. نمی‌خواستم فرزندم هم این حس را با خودش داشته باشد و زندگی سختی در زندان‌ها داشته باشد. او درباره محدود بودن امکانات بهداشتی در زندان‌ها می‌گوید که باعث شده تا آزمایش‌هایی مثل هیاتیت و اچ‌آی‌وی از اولویت خارج شوند: «بارها ما مسئله آزمایش اچ‌آی‌وی و ایذس و بیماری‌های دیگر در زندان‌ها را مطرح کرده‌ایم. همچنین نیاز به‌وجود حریم خصوصی برای افرادی که به بیماری مبتلا هستند و باید دارو مصرف کنند. اما چنین امکانی در زندان‌ها فراهم نیست. حتی اگر فرد مبتلا هم شناسایی شود، هیچ مراقبت وجود ندارد و عملاً گرفتار آزمایش‌هایی می‌ماند که»

### خلاصه گزارش

گزارش

## تمرین سبک زندگی پایدار

«تاخت، فروش و اهدا» عنوان نخستین رویداد محیط‌زیستی‌ای بود که گروه پسماند صفری‌ها در بوستان پیروزی تهران راه‌انداخته بودند؛ تجربه‌ای که بیش از هر چیز به‌دنبال فرهنگ‌سازی در زمینه کاهش تولید پسماند می‌گشت. سعیده کریمی، فعال محیط‌زیست و از برگزارکنندگان این رویداد می‌گوید: «این رویداد در راستای ایجاد سبک زندگی پایدار برگزار شده بود. مفهوم توسعه پایدار مفهومی جهانشمول است و بر استفاده درست از منابع تأکید دارد. پایداری در این مفهوم، بدون مشارکت مردم و همراهی جامعه امکان‌پذیر نیست و برای این کار نیاز به برنامه‌ریزی بلندمدت، شاید حتی ۱۵ساله داشته باشیم.» او بر «ترتیب محیط‌زیستی» تأکید می‌کند که تفاوت قابل‌ملاحظه‌ای با «آموزش محیط‌زیستی» دارد و می‌گوید: «برای تربیت محیط‌زیستی باید شهروندی آگاه داشته باشیم و برای رسیدن به شهروند آگاه باید ۲گام مهم برداریم؛ یکی بالا بردن دانش افراد و دیگری بالا بردن مهارت افراد. در این صورت است که می‌توانیم ادعا کنیم جامعه را به سمت تربیت محیط‌زیستی و زیست پایدار هدایت می‌کنیم.»

وی بر گزارری رویداد تاخت، فروش و اهدا را فرصتی برای آموزش جامعه و شناخت فرصت‌های تازه کم‌کردن پسماندهای شهری می‌داند و به اختصاص بخشی از رویداد به کودکان اشاره می‌کند که نتیجه‌ای جالب برای تیم برگزارکننده در بر داشت. کریمی می‌گوید: «در این رویداد انفساق جالبی رخ داد که تا قبل از برگزاری، به آن فکر نکرده بودیم. ما در رویداد بخشی را به‌صورت مجزا به کودکان اختصاص داده بودیم. مشاهده ما در این بخش نشان داد کودکان علاقه‌ای به فروش اسباب‌بازی‌های خود ندارند؛ چون با این کار به نوعی حس از دست دادن را تجربه می‌کنند؛ برای همین هم حتی حاضر به فروختن اسباب‌بازی‌های شکسته نمی‌شدند، اما حاضر بودند اسباب‌بازی‌های خود را با دیگران تاخت‌بزنند، یعنی در ازای چیزی که از دست می‌دهند چیز تازه‌ای به‌دست بیاورند. بخش کودکان به ما نشان داد که این گروه از مخاطبان هم نیازهایی دارند که اگر راه‌تأمین آن فراهم شود، می‌توانند همکاری خوبی برای کاهش پسماند داشته باشند. در عوض بزرگ‌ترها بیشتر تمایل به فروش وسایل داشتند تا اینکه آنها را تاخت‌بزنند و این نشان‌دهنده اهمیت اقتصادی این مسئله برای آنها بود.»



غرفه‌هایی از رویداد پسماند صفری‌ها در پارک پیروزی به فروش اقلام خوراکی و تولیدات بدون پسماند اختصاص داشت و طبق اعلام قبلی رویداد، افرادی که به‌خريد تمایل داشتند باید ظرف و کسبه‌های پاک مناسب برای خرید به همراه می‌آوردند. هنوز به‌ظاهر نرسیده میزهای فروش اغلب این اقلام خالی شده و همه کالاها به فروش رفته بود. کریمی می‌گوید: «ما تلاش کردیم که علاوه بر فرهنگ‌سازی در زمینه کاهش تولید پسماند، راحل‌های کاربردی برای این سبک از زندگی به مردم معرفی کنیم و آنها را به تجربه این راه و روش تشویق کنیم؛ چون معتقدیم فرهنگ‌سازی وقتی به نتیجه می‌رسد که راه‌حلی شدنی و قابل اجرا داشته باشد؛ در غیر این صورت جامعه آن را نمی‌پذیرد یا در بهترین حالت، افرادی که در حوزه‌ای خاص مدغدغه‌مند می‌شوند باید خودشان با آزمون و خطا این راهکارها را پیدا کنند.» وی عمرحله از سلسله‌مراتب‌رف نیازها را نام برد که برای داشتن سبک زندگی پایدار باید به آن توجه کرد: «هرم و سلسله مراتب رفغ نیازها در سبک زندگی پایدار، تأکید دارد که نیازها را از طریق راهکارهای خودمختار و در صورت وجود ضرورت، به سمت تولید هرم حرکت کنند. این عمرحله به‌ترتیب اولویت اینها هستند؛ اول: آنچه دارید را استفاده کنید. دوم: امانت بگیرید. سوم: تاخت‌بزنید. چهارم: خرید دست دوم. پنجم: خودت بساز. ششم: بخر. ما در این رویداد قصد داشتیم فرهنگ‌سازی خود را روی تاخت، اهدا و خرید دست دوم متمرکز کنیم و فکر می‌کنم در این هدفگذاری موفق بودیم.»

این فعال محیط‌زیست معتقد است شهروندان بیش از آنچه او و دیگر برگزارکنندگان فکر می‌کردند آمادگی برگزاری چنین رویدادهایی را دارند. او می‌گوید: «وقتی درباره تفکیک زباله از مبدأ حرف می‌زنیم، داریم درباره تغییر سبک زندگی مردم اظهارنظر می‌کنیم. از طرفی درک می‌کنیم که این دخالت در تغییر زندگی در شرایط کنونی می‌تواند بار اضافی روی دوش مردم باشد؛ برای همین ما با برگزاری این رویداد این مسئله را با آنها تمرین کردیم و درواقع مهارت‌آموزی را گسترش دادیم. بهترین بازخوردی که از این رویداد گرفتم پیام‌های بی‌درپی مردم بود که می‌پرسیدند دومین رویداد را کی برگزار می‌کنید؟»

**همه ما یک سوال مشترک در سرمان داشتیم؛ چرا من؟! اما بالاخره با این موضوع کنار آمدیم. تازه بعد از کنار آمدن خودمان با این ویروس و بیماری، باید با این مسئله کنار می‌آمدیم که اطرافیان و خانواده را چطور از این بیماری آگاه کنیم؟ آیا اصلاً این کار درستی است؟ پاسخ به این سوال برای هر فردی با دیگری متفاوت است و بستگی به سطح فرهنگ و میزان پذیرش خانواده‌ها دارد. اغلب ما حتی از فرزندان خودمان هم این موضوع را پنهان کرده‌ایم.»**

**انتظارش باشد. شاید اگر فرهنگ و عرف جامعه مشکل‌ساز بود، من و شوهرم و دیگر مبتلایان هم زندگی آرام‌تری داشتیم. اما می‌توانیم به‌خوبی با این ویروس کنار بیاییم. همسرم در زندان داروهایش را به‌هیچ وجه نمی‌خورد چون چند همشهری در زندان هستند و او نمی‌خواهد آنها از بیماری‌اش باخبر شوند و از ترس خراب‌شدن دیگران، اصلاً نمی‌پذیرد که دارو را نزد خود نگه دارد و مصرف کند.»**

**او که چند سالی است فرزندش را به تنهایی و در غیاب همسرش بزرگ می‌کند می‌گوید: «وقتی یک زندانی آزاد می‌شود، با انجام یک تست و آزمایش ساده می‌توان فهمید که به بیماری‌های خونی مبتلا شده یا نه؛ از واقع اگر این آزمایش‌ها در تمام زندان‌ها از افراد گرفته می‌شد، احتمال زیادی برای پیشگیری از ابتلای بسیاری از زنان وجود داشت. ولی در عمل این اتفاق صورت نمی‌گیرد.»**

**او که چند سالی است فرزندش را به تنهایی و در غیاب همسرش بزرگ می‌کند می‌گوید: «وقتی یک زندانی آزاد می‌شود، با انجام یک تست و آزمایش ساده می‌توان فهمید که به بیماری‌های خونی مبتلا شده یا نه؛ از واقع اگر این آزمایش‌ها در تمام زندان‌ها از افراد گرفته می‌شد، احتمال زیادی برای پیشگیری از ابتلای بسیاری از زنان وجود داشت. ولی در عمل این اتفاق صورت نمی‌گیرد.»**

**او که چند سالی است فرزندش را به تنهایی و در غیاب همسرش بزرگ می‌کند می‌گوید: «وقتی یک زندانی آزاد می‌شود، با انجام یک تست و آزمایش ساده می‌توان فهمید که به بیماری‌های خونی مبتلا شده یا نه؛ از واقع اگر این آزمایش‌ها در تمام زندان‌ها از افراد گرفته می‌شد، احتمال زیادی برای پیشگیری از ابتلای بسیاری از زنان وجود داشت. ولی در عمل این اتفاق صورت نمی‌گیرد.»**